

قَلَّا تَتَّبِعُوا هَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه هیات عمومی

کلاسش پرونده: ۸۳۳-۹۵۰۰

شماره پرونده: ۱۳۰۰۸۸۰۰۰۰۰۰۱۳۰

تاریخ: ۹۳۰

تاریخ: ۱۳۷۰/۰۴/۱۳

هیوست:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شماره دادنامه: ۹۳۰
تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷.۰۴.۱۳
کلاسش پرونده: ۸۳۳.۹۵
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای سیدسعید تشکری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه های شماره ۵۶-۱۰۷۰۰۹-۰۹-۷۲ و ۱۳۹۱.۱۲.۵-۲۴۱۰۵-۱۰۷۰۰۹-۰۹-۷۲ و ۱۳۹۲.۲.۷-۲۴۱۰۵-۱۰۷۰۰۹-۰۹-۷۲ معاونت حقوقی و امور مجلس و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
گردش کار: شاکی به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال بخشنامه های شماره ۵۶-۱۰۷۰۰۹-۰۹-۷۲ و ۱۳۹۱.۱۲.۵-۲۴۱۰۵-۱۰۷۰۰۹-۰۹-۷۲ و ۱۳۹۲.۲.۷-۲۴۱۰۵-۱۰۷۰۰۹-۰۹-۷۲ معاونت حقوقی و امور مجلس و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" ریاست محترم دیوان عدالت اداری

موضوع: مستوری محجور سیدامیر تشکری سید احمدی

سلام علیکم، با احترام، اینجانب سید سعید تشکری قیم محجور سید امیر تشکری می باشم. ایشان فرزند بازنشسته ارتش سیدعلی تشکری سید احمدی و دارای پرونده به شماره ۲۴۴۶-۸۵ س ۱ دایره سرپرستی دادرسی عمومی و انقلاب مشهد و متولد ۱۳۵۲.۲.۲۸ می باشد. که در تاریخ ۱۳۸۲.۱۰.۲۰ در شورای پزشکی بیمارستان ۵۵۰ لشکر ۷۷ مشهد، دارای معلولیت سایکوز اسکیزوفرنی مزمن شناخته شد و بیمه پدرش گردید و دترجه بیمه ارتش دریافت نمود. سپس در تاریخ ۱۳۸۲.۸.۲۲ در بیمارستان ابن سیناای مشهد بدلیل اسکیزوفرنی مزمن یا چون تطبیقی بستری گردید و در تاریخ ۱۳۸۵.۱۰.۱۳ در دایره سرپرستی دادگاه عمومی و انقلاب مشهد به طور رسمی حکم حجری حداقل از تاریخ ۱۳۸۲.۸.۲۲ به علت جنون تطبیقی صادر شد. بعد از این در تاریخ ۱۳۸۸.۲.۲۳ جهت بهبود حالتش زیر نظر دایره سرپرستی، پزشکی قانونی، پزشک متخصص و قیم ازدواج نمود و در تاریخ ۱۳۹۰.۰۱.۱۳ حقوق پدرش که بازنشسته ارتش بود توسط سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح به نام محجور ثبت شد و به مدت تقریباً ۲ سال فیش حقوقی به نام محجور صادر می شد. بعد از این در تاریخ ۱۳۹۱.۸.۶ حکم موت فرسی پدر محجور (بازنشسته ارتش که سالها بعد از جنگ حدود سال ۱۳۷۶ در شهر مشهد مفقود شده بود) توسط شعبه ۸ دادگاه حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی مشهد صادر گردید و نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۲.۲/۱ مستوری و بیمه محجور توسط سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح قطع گردید.

بعد از مراجعات و پیگیری های مکرر، سازمان مذکور علت قطع مستوری را در نامه شماره ۲۸۴۷.۰۲.۹۲.۴۱.۸۲۸۷ تاریخ ۱۳۹۲.۵.۹ چنین بیان داشته است: که در خصوص ماده ۱۶۴ قانون ارتش و نحوه پرداخت مستوری به دلالت بر این دارد که اولاد ذکور نظامی اگر تا سن ۲۰ تا ۲۵ سالگی (حسب مورد) دچار بیماری یا غیر قابل علاج یا نقص عضو شوند که برای همیشه قادر به تأمین معاش خود نباشند مستوری آنان مادام العمر پرداخت می شود و در غیر این صورت یعنی بعد از عبور از حد تصاب سنی و خروج از تحت سرپرستی والدین و استقلال اقتصادی و اشتغال به کار یا تشکیل زندگی مستقل اگرچه دچار بیماری غیر قابل علاج یا نقص عضو شوند که برای همیشه قادر به تأمین معاش خود نباشند دیگر امکان استفاده دائمی از حقوق مستوری وجود ندارد. لذا اینجانب قیم محجور با بررسی دلایل و مستندات معاونت محترم حقوقی و امور مجلس (وزارت دفاع جمهور اسلامی ایران) و سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح و ماده ۱۶۴ قانون ارتش و با مشورت

با دایره سرپرستی دادرسی عمومی و انقلاب مشهد و کلاهی رسمی دادگستری موارد نقض و مخالف قانون و اشکالات جدی که متوجه این حکم است را ابتدا به اختصار و سپس به تفصیل به عرض می رسانم.

اول: اینکه این حکم مبتنی بر نظریه معاونت حقوقی و امور مجلس (وزارت دفاع جمهور اسلامی ایران) می باشد در حالی که نظریه الزام آور نیست. دوم: در ماده ۸ قانون اساسنامه سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح مضمون ۷۲.۱۰.۲۹ تصریح شده است که فرزندان ذکور بعد از عبور از نصابهای سنی تعیین شده، به بیماریهای غیر قابل علاج یا نقص عضو مبتلا شوند که برای همیشه قادر به تأمین معاش خود نباشند تا پایان عمر تحت تکفل محسوب می شوند و در بند ۳ نظریه معاونت حقوقی و امور مجلس (وزارت دفاع جمهور اسلامی ایران) تاریخ ۱۳۹۱.۱۲.۵ نیز تصریح شده است که فرزندان ذکور بعد از عبور از حد نصابهای سنی و تا زمانی که تحت سرپرستی والدین قرار داشته و اشتغال به کار پیدا نکرده اند چنانچه به بیماری غیر قابل علاج و نقص عضو مبتلا شوند که قدرت تأمین معاش را برای همیشه از دست بدهند مادام العمر تحت تکفل محسوب شده و استحقاق دریافت حقوق مستوری را خواهند داشت. بنابراین طبق ماده ۸ قانون اساسنامه سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح مستوری مادام العمر به خاطر تحت تکفالی مادام العمر که سبب استحقاق مستوری مادام العمر هست به محجور مذکور بلکه به تمام اولاد ذکور دارای بیماری غیر قابل علاج تعلق می گیرد ولو اینکه بعد از ۲۰ تا ۲۵ سالگی بیمار شده باشند و حتی طبق بند ۴ نظریه مذکور تاریخ ۱۳۹۱.۱۲.۵ نیز مستوری مادام العمر به محجور مذکور و اولاد ذکور این چنین تعلق می گیرد چون ایشان بعد از عبور از نصاب سنی و تا زمانی که تحت سرپرستی والدین بوده است معلول دائمی شده است و دلیلی از سوی سازمان مذکور بر خروج وی از تحت سرپرستی والدین ارائه نشده است.

قَلَّا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَن تَغْدِلُوا

دادنامه هیات عمومی

کلاس پرونده: ۹۵۰۸۴۰
شماره پرونده: ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰۱۳
تاریخ: ۱۳۷۷/۲/۱۲
بوست

سوم: منظور از (مستمری بگیران) در تبصره ذیل ماده ۱۶۴ ارتش، عنوان ششبر است برای ذات عناوین نسبی و سببی مذکور در بندهای ماده ۱۶۴ چنانچه در اصل ماده ۱۶۴ به این معنا به کار رفته است که فقط این عناوین جدا از فریب و یا ظرف زمانی حکم دریافت مستمری، موضوع برای حکم مستمری هستند (مثل: همسرانم، شوهر، اولاد ذکور، پدر و مادر، اولاد اثاث، خواهر، برادر مجبور، برادر غیر ...). مثلاً در مورد بند ب ماده ۱۶۴ موضوع اولاد ذکور است، و قید یا ظرف (زمانی تا ۲۰ یا ۲۵ سال تمام)، قید یا ظرف زمانی حکم دریافت مستمری است نه قید موضوع و ربطی به موضوع ندارد و همچنان که ب توجه به سیاق و موارد دیگر متلاً بند (و) ماده مذکور برادر صغیر (مشروط به اینکه شاغل نباشد) قید غیر شاغل هم می تواند قید حکم باشد نه قید موضوع، و اینکه در بندهای ماده ۱۶۴ موضوع همراه با قید و ظرف زمانی حکم مستمری آمده است منشأ برداشت اشتباه شده است. بنابراین منظور از (مستمری بگیران) در تبصره ذیل ماده ۱۶۴، مستمری بگیر بالفعل یا مستمری بگیر شانی به معنایی که گفته خواهد شد نیست چون طبق قید یا ظرف زمانی به حکم بر می گردد نه موضوع و تائیداً طبق این دو معنا موارد نقض و تالی فاسدھای لازم می آید که بعداً آنرا ذکر خواهیم کرد و ثانیاً: موضوع این دو معنا تبصره در مورد پدر و مادر و شوهر و برخی موارد دیگر لغو و تحصیل حاصل می شود و رابعاً این دو معنا مخالف با ماده ۸ قانون اساسنامه سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح هستند.

چهارم: طبق این تفسیر شوهر، برادر و خواهر، پدر و مادر بر اولاد ذکور از جهت نکت الکفالی و وجوب نفقه مقدم می شوند چون برای این افراد خصوصاً برادر و خواهر شرط سنی وجود ندارد، در حالی که طبق ماده ۱۶۴ ارتش فقط مساوات بین این افراد و اولاد ذکور پذیرفتنی است ولی تقدم آنها بر اولاد ذکور پذیرفتنی نیست چون تصریحی در قانون ارتش در این زمینه وجود ندارد بلکه در قانون مدنی و شرح توضیح در قانون مدنی و تصریح بر افراد ذکور شده است. لذا تقدم اولاد در قانون مدنی مواد ۱۰۲۲-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۹-۱۲۰۲ و شرح بر افراد مذکور مؤید بلکه شاهد براین است که تفسیر معاونت محترم حقوقی و امور مجلس صحیح نمی باشد.

پنجم: خروج موقت از تحت سرپرستی والدین نیز مانع دریافت مستمری مادام العمر نیست چون در مورد دختر، پدر و مادر، شوهر و موارد دیگر مورد نقض دارد و لذا در مورد اولاد ذکور که در سیاق موارد دیگر به کار رفته است نیز خروج فرضی موقت از تحت سرپرستی والدین مانع دریافت مستمری مادام العمر نمی باشد و اما تفصیل مطلب:

اول: این حکم مبتنی بر نظریه معاونت حقوقی و امور مجلس (وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران) است در حالی که نظریه الزام آور نیست.

و خصوصاً در زمینه قطع مستمری فرزندان معلول که مسئله مهمی است باید دلیل محکم و قانون مصوب مجلس شورای اسلامی ارائه گردد که صراحت یا حداقل ظهور در این مطلب داشته باشد و پرداخت حقوق به مدت دو سال به محجورین این چنینی دلیل برعدم صراحت و ظهور تبصره ۱ ماده ۱۶۴ ارتش در تفسیر معاونت حقوقی و امور مجلس می باشد.

دوم: دلیل و شواهد و فرآیند در قانون مدنی، قانون اساسنامه سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح و شرح و مخصوصاً در نظریه مذکور و استعلامهای بعدی وجود دارد که برداشت مذکور را از مواد ۱۶۴-۱۸۲ و ۱۹۱ قوانین آجا، سپاه و ناجا توسط معاونت حقوقی و امور مجلس بسیار مخدوش و باطل می سازد و طبق برخی موارد نیز مستمری مادام العمر به محجور مذکور تعلق می گیرد از جمله اینکه در نظریه معاونت حقوقی و امور مجلس تاریخ ۱۳۹۱.۱۲.۵ بند ۳ تصریح شده است که فرزندان ذکور مستمری بگیر به شرح ماده ۸ قانون اساسنامه سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۲.۱۰.۲۹ چنانچه بعد از عبور از نمایه های شش تعیین شده است، در زمانی که تحت سرپرستی والدین قرار داشته و اشتغال به کار پیدا نکرده اند، به بیماری های غیر قابل علاج یا نقص عضو مبتلا شوند که برای همیشه قادر به تأمین معاش خود نباشند تا پایان عمر تحت تکفل محسوب می شوند و واضح است که طبق ماده ۸ قانون اساسنامه سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح مستمری مادام العمر به محجور مذکور بلکه تمام اولاد ذکور بیمار غیرقابل علاج تعلق می گیرد. بدین جهت که برای تحت الکفالی مادام العمر هیچ یک از قید یا ظرف زمانی (۲۰ تا ۲۵ سالگی) یا قید غیر شاغل بودن یا قید عدم خروج موقت از تحت سرپرستی محقق نشده است و نیز طبق بند ۳ نظریه ۹۱.۱۲.۵ که جمع بین این قانون و قانون مستمری بگیران نموده است و قید یا ظرف زمانی (۲۰ تا ۲۵ سال) در این بند هم لحاظ نشده و معتبر نشده است، مستمری مادام العمر به محجور مذکور تعلق می گیرد. البته در بند ۳ نظریه مذکور به جای عبارت ۲۰ تا ۲۵ سالگی عبارت (تشکیل زندگی مستقل) آمده است در حالی که این شرط نیز برای اولاد ذکور اصلاً در قانون مستمری بگیران نامده است و ادعای می دلیل است و دلیل هم مبتنی بر اینکه محجور مذکور بعد از عبور از نصاب سنی از تحت سرپرستی والدین خارج شده باشد یا اشتغال به کار

پیدا کرده باشد ارائه نشده است. و در این موارد که سابقاً یقیناً هر فرزندی تحت سرپرستی والدین بوده است چون دلیل بر خروج از تحت سرپرستی ارائه نشده است، اصل بر عدم خروج است، خصوصاً در مورد محجور مذکور که پدر وی نیز بیماری اعصاب داشته است و در نامه پزشکی قانونی نیز آمده است که حداقل از تاریخ ۱۳۸۸.۸.۲۲ بیماری محجور، ثابت شده است که احتمال وجود بیماری را قبل از تاریخ مذکور قوی می سازد و حد نصاب سنی ۲۰ تا ۲۵ سال برای نوع این فرزندان (که پدر بیماری اعصاب داشته و زودتر از ۷۵ سالگی فوت فرضی وی توسط دادگاه صادر شده و فرزندی نیز بیماری اعصاب دارد) نشانه مطمئنی برای خروج از تحت سرپرستی والدین نمی باشد.

علاوه بر اینکه ازدواج محجور بعد از حجر وی بوده است که به اعتراف همه (معاونت حقوقی و امور مجلس بند ۳ نامه ۹۲.۲.۷، پزشکی قانونی، پزشک متخصص، دایره سرپرستی و قیام) ازدواج بعد از حجر هیچگونه دلالت بر استقلال اقتصادی نمی کند و فقط جنبه حمایتی دارد. هر چند گفتیم که ازدواج اولاد ذکور در ماده ۱۶۴ قانون مستمری بگیر می به عنوان مانع دریافت مستمری اصلاً مطرح نشده است. علاوه بر اینکه در بند ۳ نامه دوم تاریخ ۱۳۹۲.۲.۷ که تبیین نظریه ۱۳۹۱.۱۲.۵ است تصریح شده است که استقلال اقتصادی مبنای ازدواج متعارف است و ظاهرهم همین این است که استقلال اقتصادی تمام اصالی برای خروج از تحت سرپرستی است که حق هم همین است و ازدواج یا اشتغال به کار چون نوعاً کالشف از استقلال اقتصادی هستند عنوان شده اند، چنانچه در نظریه ۹۱.۱۲.۵

قَدْ تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

داده‌نامه حیات عمومی

شماره پرونده: ۹۵۰۰۴۳
شماره پرونده: ۹۳۰۰۵۸۰۰۰۰۰۰۰۱۳
دوره: ۹۳۰
تاریخ: ۱۳۹۷/۲/۲۲
بیوست

عبارت (استفحال به کار) در کنار عبارت (وجود استقلال اقتصادی) یا (تحت سرپرستی والدین) آمده است. یعنی اگر اشتغال به کار کاشف از استقلال اقتصادی در فرد بودند موجب خروج از تحت سرپرستی والدین هستند و الاً اگر کاشف نبودند موجب خروج از تحت سرپرستی والدین نمی شوند هر چند فرد، مجبور دانی نباشد.

سوم: اشکالات نظریه مذکور: از جمله اینکه درنامه ۹۱،۱۲،۵ آمده است که بنابر صراحت مفاد تبصره ۱ مواد ۱۶۴-۱۸۲ و ۱۹۱ از قوانین آجا، سپاه وناجا ملاک پرداخت مستمری مادام العمر به افراد موضوع تبصره این است که در زمان دارا بودن شرایط تحت الکفالیگی و دریافت حقوق مستمری به بیماری غیرقابل علاج و نقص عضو مبتلا نباشند که برای همیشه قادر به تأمین معاش خود نباشند و چنانچه عبارت (دریافت حقوق مستمری) عطف به عبارت (دارا بودن) باشد و معنی عبارت این باشد که (در زمان دارا بودن شرایط تحت الکفالیگی) و در (زمان دریافت حقوق مستمری) به بیماری غیر قابل علاج و نقص عضو مبتلا شود همچنانکه اطلاق و ظهور اولیه کلمه شرایط، در تمام شرایط تحت الکفالیگی است که شامل شرط ضمنی خارجی مفروض عنه فوت واقعی یا فرضی بنابر این معنی، افراد مجبور دانی یا بیمار غیر قابل علاج ۳ شرط دیگر را نیز علاوه بر بیماری بگری برای دریافت مستمری مادام العمر نیاز دارند (۱- اینکه سابقه دریافت مستمری بالفعل موقت را داشته باشند یا به عبارت دیگر مستمری بگری بالفعل موقت باشند) (۲- فاصله زمانی بین دریافت مستمری موقت اولیه و حجر دانی ایجاد نشده باشد یعنی همزمانی بین حجر دانی و دریافت مستمری موقت اولیه) که حاصل این دو شرط این دو دریافت مستمری موقت ابتدا مستمری مادام العمر در صورت همزمانی کف و بعداً در صورت حجر دانی و بیماری غیر قابل علاج و دریافت مستمری موقت اولیه است. بنابراین معنی، افراد مجبور دانی یا بیمار غیر قابل علاج ۳ شرط دیگر را نیز علاوه بر بیماری بگری بالفعل موقت اولاً مخالف با ماده ۸ قانون اساسنامه سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح و بند ۳ نظریه ۱۳۹۱،۱۲،۵ است چون اولاد ذکور غیر بیمار بعد از عبور از نصاب سنی مستمری مشروط دریافت نمی کنند چه سرپرستان زنده باشد یا زنده نباشند ولی در عین حال در این دو فقره (ماده ۸ و نظریه مذکور) آمده است که در این حالت اگر به بیماری غیر قابل علاج مبتلا شوند مادام العمر تحت تکفل محسوب شده و مستمری مادام العمر دریافت می کنند و نالیاً این تفسیر منجر به تالی فاسدها و موارد نقضی و اشکالاتی می شود که هیچ شخص قانونگذاری حتی معاونت محترم امور مجلس و سازمان بازنشستگی آن را قبول ندارند و به آن ملتزم نمی شوند. بلکه [تصریح] بر خلاف آن نموده اند. مثل اینکه سرپرست در زمانی فوت نماید که فرزندان ذکور او بالاتر از حد نصاب سنی مندرج در ماده ۱۶۴ باشند که در این صورت طبق این تفسیر نباید به فرزندان ذکور او مستمری مادام العمر پرداخت شود. امم از اینکه بالای ۲۰ یا ۲۵ سالگی مجبور دانی شده اند یا زیر ۲۰ سال یا از بدو تولد چون این فرزندان شرط اول را ندارند یعنی اصلاً مستمری بالفعل موقت اولیه را دریافت نمی کردند به خاطر اینکه

سرپرستان در قید حیات بوده است و کسی هم ابتدائاً و بدون دریافت مستمری موقت اولیه، مستحق مستمری مادام العمر نمی شود. در حالی که خود سازمان و معاونت مجلس درند یک نامه ۱۳۹۲،۳،۷ تصریح بر خلاف این نموده است و در بند یک عنوان داشته است که فرزندان ذکور چنانچه در سنین ۲۰ تا ۲۵ سالگی یا اساساً از بدو تولد دارای معلولیت همیشگی باشند مستحق مستمری مادام العمر می شود [و مفید به صورت فوت سرپرست نموده است یعنی در فرض حیات سرپرست تا زمانی که فرزندان از نصاب سنی بگذرانند هم این فرزندان بعد از فوت سرپرست به شرط بیماری غیر قابل علاج مستحق مستمری مادام العمر می شوند طبق این تفسیر، تبصره در مورد پدر و مادر و شوهر لغو می شود و تحصیل حاصل است، چون آنها بدون تبصره نیز مادام العمر مستمری دریافت می کنند، چون در زمانی که بالفعل مستمری می گیرند، ولو اینکه مجبور دانی نباشند، یازم مستمری مادام العمر می گیرند و سقف زمانی برای دریافت مستمری ندارند. در حالی که اصل عدم لغو تبصره است و تبصره باید در تمام موارد معنی مفید و صحیحی داشته باشد. خصوصاً اینکه در نامه دوم تاریخ ۹۲،۳،۷ آمده است که تبصره مخصوص پندهای ماده است. همچنین پدر و مادر و شوهر طبق ماده ۱۶۴ چنانچه تحت تکفل سرپرست باشند و مخارج شان را او تأمین نماید بعد از سرپرست مستمری می گیرند و هیچ شرط دیگری برای دریافت مستمری آنان معتبر نشده است و الاً اگر در زمانی که تحت تکفل سرپرست نبینند مثلاً در حال اشتغال به کار مبتلا به حجر دانی شوند و سپس تحت تکفل سرپرست قرار گیرند و سرپرستان فوت نمایند یازم مستمری مادام العمر دریافت می کنند و لذا نه شرط دریافت مستمری موقت اولیه و نه شرط همزمانی حجر دانی با دریافت مستمری موقت (در مورد این افراد) لازم نیست. و این افراد ابتدائاً می توانند مستمری مادام العمر بگیرند. پس معنی اول قطعاً مراد قانونگذار نمی باشد.

چنانچه عبارت (دریافت حقوق مستمری) در نظریه تاریخ ۹۲،۱۲،۵ عطف به عبارت (تحت الکفالیگی) باشد همچنانکه در بند یک نامه دوم تاریخ ۱۳۹۲،۳،۷ همین عبارت آمده است: در همان زمان که واجد شرایط (مستمری بگیران) در تبصره یک ماده ۱۶۴ مستمری بگری سانی باشد، یعنی کسی که واجد تمام شرایط تحت دریافت حقوق مستمری می باشند منظور از کلمه (مستمری بگیران) در تبصره یک ماده ۱۶۴ مستمری بگری سانی باشد یا نه) یعنی فقط شرط (فوت سرپرست) لحاظ نشده است ولی بقیه شرایط مخصوص خود را دارد در نتیجه مجبور دانی به ۴ شرط دیگر نیز برای دریافت مستمری مادام العمر نیاز دارد.

۱- قبل از حجر دانی شایستگی دریافت حقوق مستمری غیر مادام العمر و شرایط تحت الکفالیگی (غیر از فوت سرپرست) را داشته باشد.

۲- همزمان بودن حجر دانی با زمان دارا بودن شایستگی دریافت حقوق مستمری غیر مادام العمر.

این تفسیر و معنا نیز صحیح نمی باشد چون:

اولاً عبارت (مستمری بگیران) در تبصره، ظهور اولیه و بدوی در مستمری بگری بالفعل دارد همچنانکه ظهور اولیه هر عنوانی در فعلیت است و در بخش اول گفتیم که این معنا درست نمی باشد و بعد از عدم صحت معنی اول، در مرتبه بعد تفسیر کردن به مستمری بگری سانی قرین به دلیل می طلبد و در واقع تفسیر دوم محکم و بی دلیل است.



وزارت عدالت
دفتر نشریات

فَلَا تَبْتَغُوا الْهَوَىَٰٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه هیات عمومی

کلاس پرونده: ۹۵۰۰۸۳۲
شماره پرونده: ۱۲۰۰۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ: ۱۳۹۷/۲/۱۲
پوسته:

خصوصاً اینکه قیود یا ظرف زمانی حکم داخل در موضوع و قیود موضوع نیستند یعنی منظور از (مستمری یگری) ذات عناوین نسبی و سببی مذکور در پندهای ماده ۱۶۴ می باشد (یعنی همسر دائم، شوهر، اولاد ذکور، اولاد اناث، پدر و مادر و ...) همچنانکه در ماده ۱۶۴ قانون ارثش به این معنی است و در بند ۶ قانون اساسنامه سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح نیز مقاله تحت تکفل جدای از قیود یا ظرف زمانی حکم آمده است. و قید غیر شاعل، ازدواج و خصوصاً قید یا ظرف زمانی تا ۲۰-۲۵ سال تمام، قید و ظرف زمانی حکم در دریافت مستمری هستند نه قید موضوع و ربطی به موضوع ندارند و دخل در آن نیستند. و در پندهای ماده ۱۶۴ خصوصاً در بند (ب) چون موضوع و شرط یا قید یا ظرف زمانی حکم باهم آمده است، منشأ اشتباه و تفسیرمود شده است و لذا در بند ب: (موضوع فقط اولاد ذکور است) (و قید غیر شاعل قید حکم است به فرینه موارد دیگر که به عنوان قید حکم آمده است؛ مثل بند (و) برادر صغیر ... مشروط به این که شاعل نباشند) و قید یا ظرف زمانی (۲۰-۲۵ سال تمام) نیز قید یا ظرف زمانی حکم دریافت

مستمری است و قید موضوع نیست خصوصاً عرف (تا) ظاهر در همین مطلب است، و حاصل اینکه منظور از مستمری یگری کسی است که جزء افراد نسبی و سببی مندرج در پندهای ماده ۱۶۴ باشد. به بقیه شرایط و قیود و ظرف زمانی حکم را دانسته باشد یا نداشته باشد.

تالیاً این معنا و تفسیرمورد نیز تالی فاسد و مورد نقص دارد. مثلاً در مورد پدر و مادر و شوهر اگر قبل از فوت سرپرست در حال اشتغال به کار که تحت تکفل سرپرست نیستند و شأنت دریافت مستمری را (در صورت فوت او) ندارند، دچار حجر دائمی شوند باهم مستمری مادام العمر دریافت می کنند چون در ماده ۱۶۴ تنها شرطی که برای پدر و مادر و شوهر آمده است این است که تحت الکفاله سرپرست باشند. در مورد همسر دائم، دختر، خواهر، نوه دختری، برادر محجور نیز مورد تکفل دارد چون در ماده ۱۶۴ ازدواج یا اشتغال فعلی به کار مانع دریافت مستمری شده است. نه صرف ازدواج یا اشتغال سابق مثلاً (در مورد اولاد اناث در ماده ۱۶۴ چنین آمده است که (اولاد اناث جز در صورتی که شوهر داشته باشند یا شاعل باشند) که ظاهر عبارت با توجه به کلمه (جز) و این که اولاد اناث مطلق آمده است این است که اولاد اناث مطلقاً در تمام طول عمر مستمری دریافت می کنند مگر در دو صورت ۱- شوهر داشته باشند. ۲- شاعل باشند و واضح است که فعل مضارع به معنای حدوث در زمان حال است نه زمان گذشته، یعنی در هر زمانی که شوهر داشته باشند یا شاعل باشند در همان زمان مستحق مستمری نیستند ولی در غیر این دو صورت طبق ماده ۱۶۴ و ... مستحق مستمری می باشند. پس اگر ملاک در حال اشتغال باشد که تحت تکفل سرپرست نیستند و شأنت دریافت مستمری را در صورت فوت او ندارند، دچار حجر دائمی شوند بعد از فوت سرپرست چنانچه همسر نداشته باشند مستحق مستمری مشروط و موقت بلکه مادام العمر هستند و ازدواج مجدد این افراد بعد از دریافت مستمری محل به استمرار مستمری نیست چون بعد از حجر یا نقص عضو واقع شده است و جنبه حمایتی دارد. در نتیجه مادام العمر مستمری دریافت می کنند، ولو اینکه بعداً ازدواج کنند.

تالیاً: طبق این معنا نیز تبصره در مورد پدر و مادر و شوهر نفو و تحصیل حاصل می شود چون بدون تبصره همین این ۳ فرد مستمری مادام العمر می گردند ولو اینکه در زمانی که شأنت مستمری را دارند محجور دائمی نشوند یا اینکه در زمانی که شأنت مستمری را ندارند محجور دائمی شوند. در حالی که اصل این است که تبصره نفو نباشد و در تمام موارد ماده فوقش، معنی داشته باشد.

رابعاً این معنا مخالف ماده ۸ قانون اساسنامه سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح است چون در ماده مذکور اولاد ذکور بدون قید و ظرف زمانی آمده است. پس تنها معنی متعین از مستمری یگریان این است که عنوان مشیر بری ذات عناوین افراد نسبی و سببی مذکور در ماده ۱۶۴ و ... است جدا از قیود حکم مستمری که در ماده ۱۶۴ هم مستمری یگریان به همین معنا آمده است.

چهارم: علاوه بر اینکه با دقت در ماده ۱۶۴ (که در اکثر موارد قید تحت الکفاله آمده است و در برخی دیگر چون تحت الکفاله عرفی و شرعی و قانونی محسوب می شوند این قییده خاطر وضوحش نامیده است مثل همسر دائم، اولاد ذکور و ...) و با دقت در عبارت تبصره (برای همیشه قادر به تأمین معاش نباشند) روشن می شود که فقط عدم قدرت معاش (که تعبیر دیگری از عدم استقلال اقتصادی و سبب تحت الکفاله است)، ملاک دریافت مستمری است، چه مادام العمر و چه موقت؛ چنانچه در نامه دوم تاریخ ۱۳۹۲٫۳۷ بند ۲- آمده است، که اگر این ملاک نباشد حکم مستمری هم نخواهد بود و قیود حکم چون نوعاً کاشف از عدم قدرت تأمین معاش و در نتیجه تحت الکفاله افراد نسبی و سببی هستند معتبر دانسته شده اند مثلاً در مورد پسر قید (غیرشاعل) و (ظرف زمانی تا ۲۰ سال تمام) نوعاً کاشف از عدم قدرت تأمین معاش و در نتیجه تحت الکفاله او نسبت به پدر هستند و لذا به عنوان قید حکم معتبر شده اند و این مطلب (ملاک بودن تحت الکفاله) هم در بند ۲ نظریه تاریخ ۱۳۹۱٫۱۲٫۵ آمده است چنانچه قبل از عبارت واجد شرایط دریافت مستمری، سبب آن یعنی شرایط تحت الکفاله آمده است، و از طرف دیگر در فقه شیعه و خصوصاً در ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی آمده است که (در زمان حیات سرپرست)، از بین افراد نسبی فقط افراد نسبی در خدمت عیودی و نزولی در صورت فقر (یا عدم قدرت بر تأمین معاش) واجب التلقه شرعی سرپرست خود (در اینجا پدر) هستند.

و بلکه طبق ماده ۱۲۰۲ قانون مدنی افراد نسبی در سیر نزولی (فرزندان) نیز مقدم بر سیر صعودی (والدین) هستند. و افراد نسبی در عرض (برادر) و خواهر و سببی (شوهر) اصلاً نه در فقه شیعه و نه در قانون مدنی واجب التلقه برادر یا خواهر یا همسر خود نیستند ولو اینکه فقیر باشند و قدرت بر تأمین معاش را تا آخر عمر نداشته باشند. بلکه این افراد واجب التلقه پدر و مادر یا اولاد خود هستند. و از نظر شرعی و قانون مدنی همسر دائم مقدم بر فرزندان است. حتی پسر در صورت ازدواج و فقیر بودن باز هم واجب التلقه پدر و مادر خود هست ولی دختر در صورت ازدواج واجب التلقه شوهر خودش می شود و با توجه به اینکه در ماده ۸ قانون اساسنامه سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح افرادی که در زمان حیات سرپرست به خاطر واجب التلقه شرعی و قانونی بودن تحت تکفل او بودند بعد از فوت او به شرط بیماری غیر قابل علاج تا پایان عمر تحت تکفل سرپرست محسوب می شوند و در ماده ۱۶۴ مثلاً در مورد (پدر و مادر و نوه دختری و پسر) که در زمان حیات سرپرست واجب التلقه شرعی و قانونی سرپرست محسوب می شوند، به جای عبارت واجب التلقه عبارت تحت الکفاله آورده است روشنی می شود که فرزندان از نظر تحت الکفاله مقدم بر شوهر، پدر و مادر، خواهر و برادر محجور و برادر صغیر و گاهی دختر است. پس بنابر تقدم فرزندان مخصوصاً اولاد ذکور بر اکثر موارد دیگر از نظر تحت الکفاله، بر تفسیر معاونت محترم حقوقی و امور مجلس نسبت به تبصره مذکور بیش از پیش (علاوه بر



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه حیات عمومی

شماره پرونده: ۹۵۰۰۸۳۰

شماره پرونده: ۹۳۰۰۵۸۰۰۰۰۰۱۳

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲

پوست:

اشکالات گذشته) خدشه وارد می شود و تفسیر مذکور تضعیف می شود. چون بنا بر تفسیر مذکور افراد دیگر از نظر تحت الکفالیگی و در نتیجه دریافت مستمری مقدم بر اولاد ذکور می شوند. چون طبق تفسیر مذکور افراد دیگر (مخصوصاً برادر و خواهر و شوهر) که اصلاً تحت الکفاله و واجب النفقه شرعی و قانونی سرپرست محسوب نمی شوند، در هر سنی مثلاً در سن ۳۰ یا ۴۰ سالگی در حالت تجرد و غیر شاغل دچار حجر دائمی شوند مستحق مستمری مادام العمر می شوند و اینکه اولاد در زمان حیات سرپرست ازدواج نموده و یا شاغل بوده و قبل از فوت او جدا و بیگار شده باشند. چون شرط سنی ندارند ولی اولاد ذکور فقط در صورتی مستحق

مستمری مادام العمر می شوند که در سنین ۲۰ یا ۲۵ سالگی دچار حجر دائمی شوند و چنانچه در سنین بالاتر از نصاب سنی دچار حجر دائمی شوند مستحق مستمری مادام العمر نیستند. در حالی که طبق ماده ۱۶۴ فقط تساوی بازندگان ذکر شده در استحقاق مستمری ثابت و پذیرفتنی است ولی تقدم برخی افراد خصوصاً افرادی مثل برادر و خواهر و شوهر که اصلاً تحت الکفاله و واجب النفقه شرعی و قانونی سرپرست نبوده اند و فقط تحت الکفاله عرفی او محسوب می شوند بر برخی دیگر نظیر اولاد ذکور که از نظر تحت الکفالیگی و وجوب نفقه شرعی و قانونی مقدم بر اکثر افراد دیگر است (غیر از همسران و دختر) پذیرفتنی نیست.

نتیجه: در بند ۳ ماده ۱۲۷-۱۳۹۰۰ اولین خروج موقتی از تحت سرپرستی والدین (یا سابقه عدم دریافت بالفعل یا سابقه عدم شایستگی دریافت مستمری) به واسطه اشتغال یا ازدواج را مصلّ و مانع دریافت مستمری مادام العمر برای اولاد ذکور می داند. در حالی که گفتیم این مطلب حتی در مورد افراد غیر محجور صحیح نیست چه رسد به افراد محجور چون ازدواج اولاد ذکور در ماده ۱۶۴ قانون ارتش به عنوان مانع دریافت مستمری مطرح نشده است و نیز گفتیم که این حکم در اکثر موارد مثل همسر دائم، شوهر، پدر و مادر، خواهر، برادر صغیر، دختر، نوه دختری نقض می شود چون برخی افراد مثل دختر و خواهر طبق قانون ارتش ماده ۱۶۴ فقط از ازدواج یا شغل بالفعل آنها مانع دریافت مستمری است و ازدواج یا شغل قبلی آنها مانع دریافت مستمری نمی باشد. و چون مصداق مستمری بگیران همه در یک سیاق هستند و تمیزی در قانون بر مانع بودن خروج موقتی از تحت سرپرستی نشده است. اولاد ذکور نیز حمل بر موارد دیگر می شود. مثلاً اگر دختری یا نوه دختری یا خواهر در زمان حیات سرپرست ازدواج کنند یا شاغل شوند و قبل از فوت سرپرست جدا و غیر شاغل شوند باز هم مستمری دریافت می کنند و در این حالت اگر دچار حجر دائمی شوند مستمری مادام العمر می گیرند. علاوه بر اینکه گفته شد مالک اصلی دریافت مستمری عدم قدرت بر تأمین معاش و تحت الکفالیگی است، و تحت الکفالیگی علت محدثه دریافت مستمری است یعنی حکم دریافت مستمری حدوثاً و بقاءً آثارمدار تحت الکفالیگی است در نتیجه خروج موقت از تحت سرپرستی والدین مانع از این نیست که

اگر بعداً فرد خارج شده دوباره به واسطه بیماری غیرقابل علاج قدرت بر تأمین معاش را از دست داد، تحت الکفاله محسوب شده و مستمری به او تعلق گیرد. لذا درخواست مساعدتهای لازم جهت ابطال نظریه معاونت حقوقی و امور مجلس (وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران) و برقراری و پرداخت مستمری جاریه و معوقه محجور سیدامیر تشکری از تاریخ ۱۳۹۲٫۲ مستنداً به تبصره ۱ ماده ۱۶۴ قانون ارتش و ماده ۸ قانون اساسنامه سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح به شرح دادخواست ما دارم.^{۱۱}
در پی اخطار رفع نقیصه که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکی ارسال شده بود وی به موجب لایحه شماره ۲۸۵۱۵۷۱۹۲۰۲۰۰-۹۰۰۰-۱۳۹۵٫۰۱٫۰۱ اعلام کرده است که:

" پیرو اخطار رفع نقیصه جهت پرونده مندرجه در آن هیأت به استحضار می رساند که اینجناب اجمالاً به یک مورد اشاره می کنم و تفصیل مطلب را در لایحه تکمیلی در اولین فرصت به استحضار می رسانم و آن این است که معاونت حقوقی و امور مجلس در خصوص نظریه صادر شده علت قطع مستمری محجور را عدم شمول قانون نسبت به محجورینی که بالاتر از سنین یاد شده بیمار شده اند دانسته اند و قانون را طوری تفسیر نموده اند که از همان ابتدا نباید مستمری به محجور تعلق می گرفته است و اینکه معاونت حقوقی بخواهد در بقاء مستمری محجور اشکال قانونی نیابد، بلکه همان طور که گفتیم در نظریه مرقوم داشته اند که نباید از همان اول به نام محجور مستمری پرداخت می شده است و دلیل ما بر این قضیه این است که در آن زمان اتصال و پرداخت اولین مستمری پدر محجور که غایب بود و محکوم به حیات بود و حتی تا چند سال بعد هم همین حکم به حیات باقی بود و در احکام شرعی باری آمده است که اگر کسی غایب باشد نفقه افراد واجب النفقه او باید از داراییهای آن فرد پرداخت شود و غیبت مثلاً پدر باعث سلب حق نفقه افراد واجب النفقه نمی شود و لذا در آن زمان سرعاً محجور واجب النفقه پدرش محسوب می شد و حق استفاده از اموال پدر را داشت چون به دلیل بیماری همیشگی قادر به امرار معاش نبود و فقیر محسوب می شد و اینجانس که نظریه مذکور معاونت حقوقی را حکم پرداخت نفقه افراد واجب النفقه در زمان حیات سرپرست (پدر) منافیات دارد. البته این اجمالی از قضیه بود و انشاء الله تفصیل مطالب به استحضار می رسد."

متن بخشنامه های مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف) بخشنامه شماره ۱۰۷۰۰۹۰۶-۲۴۱۰۵-۱۳۹۱٫۱۲٫۵- معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح:

^{۱۱} از معاونت حقوقی و امور مجلس - اداره کل امور مجلس و دولت (مد نظارت و استعلامات)

به ریاست محترم سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح (معاونت محاسبات حقوق و سوابق خدمتی)

موضوع: مستمری بگیران معلول و غیر قابل علاج

سلام علیکم

بازگشت به شماره ۸۸۶۰۲۳۴-۱۳۹۱٫۹۰۱۲

با صلوات بر حضرت محمد و آل محمد (ص) و با احترام؛ در پاسخ به سوالات عنوان شده در بازگشتی بالا، اعلام می دارد:



فَلَا تَبْتَغُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تُغْدَلُوا

دادنامه هیات عمومی

کلاس پرونده: ۹۵۰۰۸۳

شماره پرونده: ۹۳۰۹۰۵۸۰۰۰۰۰۱۳۰

تاریخ: ۱۳۷۰/۰۲/۱۲

پوسته:

۱- بنا به صراحت مفاد تبصره ۸ مواد ۱۶۶، ۱۸۲ و ۱۹۱ از قوانین ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ملاک پرداخت مستمری مادام العمر به افراد موضوع تبصره این است که در زمان دارا بودن شرایط تحت الكفالی و دریافت حقوق مستمری، به بیماری غیرقابل علاج و نقص عضو مبتلا شوند که برای همیشه قادر به تأمین معاش خود نباشند.

۲- اما در این میان فرزندان ذکور مستمری بگیر به شرح ماده ۸ قانون اساسنامه سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۲۷، ۰۲۹) چنانچه بعد از عبور از نصابهای سنی تعیین شده، به بیماریهای غیر قابل علاج یا نقص عضو مبتلا شوند که برای همیشه قادر به تأمین معاش خود نباشند، تا پایان عمر تحت تکفل محسوب شده و حقوق مستمری دریافت می دارند.

۳- اولاد اثاث نیز تا زمانی که ازدواج نکرده و یا اشتغال به کار پیدا نکرده اند یا ابتلا به بیماری غیرقابل علاج و یا نقص عضو که موجب از کارافتادگی دائمی است، مادام العمر از حقوق مستمری بهره مند می شوند.

۴- البته مستفاد از ماده ۸ مذکور و بند «ج» مواد صدرالذکر، وجود چارچوب قانونی برای اجرای حکم این مستندات است. بدین معنا که فرزندان ذکور بعد از عبور از حد نصابهای سنی و تا زمانی که تحت سرپرستی والدین قرار داشته و اشتغال به کار پیدا نکرده اند و اولاد اثاث نیز تا زمانی که ازدواج نکرده و یا اشتغال به کار پیدا نکرده اند، چنانچه به بیماری غیر قابل علاج و نقص عضو مبتلا شوند که قدرت اشتغال و تأمین معاش را برای همیشه از دست بدهند، مادام العمر تحت تکفل محسوب شده و استحقاق دریافت حقوق مستمری را خواهند داشت و در غیر این حالت، یعنی با خروج از چارچوب قانونی موصوف که با اشتغال به کار و وجود اشتغال اقتصادی و تشکیل زندگی مستقل (برای اولاد ذکور) و ازدواج یا اشتغال به کار (برای اولاد اثاث) تحقق می یابد و حدوث هر وضعیت جدیدی پس از این، امکان استفاده دائمی از حقوق مستمری وجود ندارد.

ب) پخشنامه شماره ۱۰۷۰۰۹۰۷۲-۲۴۱۰۵-۱۳۹۲،۳۰۷ معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح:

از: معاونت حقوقی و امور مجلس - اداره کل امور مجلس و دولت (مد نظارت و استعلامات)

به: ریاست محترم سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح (معاونت محاسبات حقوق و سوابق خدمتی)
موضوع: مستمری بگیران معول و غیر قابل علاج

سلام علیکم

پیرو نظریه شماره ۵۶-۱۰۷۰۰۹۰۷۲-۲۴۱۰۵-۱۳۹۱،۱۲،۵ و مذاکرات انجام شده

با همکاران در معاونت محاسبات حقوق و سوابق خدمتی

با صلوات بر حضرت محمد و آل محمد (ص) و با احترام، در تبیین نظریه بالا اشعار می دارد:

۱- تبصره ۸ مواد ۱۶۶ و ۱۸۲ از قوانین استحضاری ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه حکم خاصی است که در مقام تخصیص بندگان هشت گانه موضوع این مواد است و هر یک از مستمری بگیران در همان زمان که واجد شرایط دریافت حقوق مستمری می باشند (مثلاً: اولاد ذکور حسب مورد در سنین ۲۰ تا ۲۵ سالگی) چنانچه به بیماری غیرقابل علاج و معلولیتی مبتلا شوند که این معلولیت و بیماری، قدرت تأمین معاش را برای همیشه از آنان سلب نماید و یا اساساً از بدو تولد دارای معلولیت همیشگی (ذهنی، جسمی یا جسمی حرکتی) باشند، مادام العمر از حقوق مستمری برخوردار خواهند شد.

۲- آنچه که در تبصره ۱ مذکور موضوعیت دارد این است که قدرت تأمین معاش برای همیشه از افراد موصوف سلب گردد و به همین جهت چتر حمایتی پرداخت مادام العمر حقوق مستمری بر سر آنها قرار می گیرد.

۳- بنابراین در مواردی هم چون ازدواج اولاد ذکوری که با توصیف بالا، مادام العمر استحقاق دریافت حقوق مستمری را دارند (البته این ازدواجها معمولاً ابعاد عاطفی و روحی و روانی است و با حمایت دیگران صورت می گیرد، یا ازدواج متعارف که استقلال اقتصادی سرپرست خانوار میناست، متفاوت است) خللی در استحقاق آنها ایجاد نگردیده و کماکان از حقوق مستمری بهره مند خواهند بود.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر دفتر حقوقی سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح به موجب لایحه شماره ۱۹۸۶-۱۶۳۲۰-۱۳۹۰،۵۹۳-۱-۴۸۰-۱۳۹۳،۱۲،۲۰ توضیح داده است که:

سلام علیکم

با احترام، عطف به کلاس فوق موضوع دادخواست آقای سیدسعید تشکری سیداحمدی به فیومیت از آقای سیدامیر تشکری سیداحمدی به خواسته ۵ برقراری مستمری و حقوق منجمد سیدامیر تشکری سیداحمدی از اردیبهشت ۱۳۹۲، و ابطال نظریات معاونت حقوقی و امورمجلس وزارت دفاع تسدیغ داده و به استحضار می رساند:

۱- حسب اطلاعات موجود در سامانه سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح، شاکای آقای سیدامیر تشکری سیداحمدی
فرزند آقای سیدعلی تشکری سیداحمدی بوده (بازنشسته ارتش) که پس از صدور رأی فوت فرضی وی، حقوق مستمری ایشان جهت نامبرده برقرار گردید.
۲- مزید استحضار، با بررسیهای به عمل آمده مشخص گردید که حقوق مستمری شاکای در سال ۱۳۹۰ و در زمان برقرار شده که ایشان با رسیدن به سن گیر، از عداد عائله تحت تکفل سرپرست خود خارج بوده و متعاقباً با نظریه شورای عالی پزشکی تا تاریخ ۱۳۸۲،۰۲۰ بیماری وی تأیید گردیده است. به عبارت دیگر وضعیت بیماری ایشان در سن ۳۰ سالگی و در زمان خروج وی از عداد عائله تکفلی پدر خویش در کمیسیون پزشکی مطرح شده و این در حالیست که در تاریخ فوق، نامبرده هیچ رابطه قانونی با صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح نداشته است.

